

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Role of the Arbitration Institution in Judicial Development with a Focus on Upstream Documents

Behnam Habibi Dargah ^{1*}, Payam Shabani ², Ali Eslamipناه ³, Javad Khaleghiyan ⁴

1. Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

3. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. Department of Private Law, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

* Corresponding Author's Email: drhabibi1361@yahoo.com

ABSTRACT

The realization of justice, as one of the most fundamental objectives of any legal system, depends on the efficiency of dispute resolution institutions and the reduction of litigation delays. In this regard, judicial development goes beyond the mere quantitative increase in courts and judges and is understood as the enhancement of the quality, speed, and accessibility of justice. One of the key instruments in achieving this goal is the institution of arbitration—an institution deeply rooted in Iran's legal culture, dating back to the pre-Islamic era. Arbitration, as a private and low-cost mechanism for dispute resolution, has the capacity to accelerate proceedings, reduce costs, and alleviate the burden on the judiciary. Despite the considerable potential of this institution, its position in Iran's legal system remains limited. Challenges such as weak cultural promotion, the absence of efficient national arbitration institutions, legal gaps, and the lack of coherent macro-level policymaking have hindered arbitration from playing an effective role in the process of achieving justice. This article, through an analytical-comparative approach and by examining legal texts, current regulations, jurisprudential opinions, and upstream documents such as general judicial policies and development programs, endeavors to analyze the potential capacities of the arbitration institution in enhancing the indicators of judicial development. The findings of this study demonstrate that the systematic utilization of arbitration, accompanied by institutional and legislative reforms, can play a significant role in improving access to justice, enhancing public trust, and increasing the efficiency of the judicial system. In conclusion, recommendations are presented regarding the strengthening of arbitration infrastructures, legal support for arbitration institutions, and the promotion of public awareness about this method of dispute resolution.

Keywords: *Judicial development, arbitration, justice, dispute resolution, judicial policies, upstream documents*

How to cite: Habibi Dargah, B., Shabani, P., Eslamipناه, A., Khaleghiya, J. (2024). The Role of the Arbitration Institution in Judicial Development with a Focus on Upstream Documents. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 94-113.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۵

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

نقش نهاد داوری در توسعه قضایی با نگاهی به اسناد بالادستی

بهنام حبیبی درگاه^۱، پیام شعبانی^۲، علی اسلامی پناه^۳، جواد خالقیان^۴

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: drhabibi1361@yahoo.com

چکیده

تحقق عدالت به عنوان یکی از اساسی ترین اهداف هر نظام حقوقی، در گرو کارآمدی نهادهای حل و فصل اختلاف و کاهش اطاله دادرسی است. در این راستا، توسعه قضایی مفهومی فراتر از افزایش کمی دادگاه ها و قضات دارد و به معنای ارتقای کیفیت، سرعت و دسترسی به عدالت تلقی می شود. یکی از ابزارهای مهم در تحقق این هدف، نهاد داوری است؛ نهادی که ریشه در فرهنگ حقوقی ایران دارد و سابقه آن به دوران پیش از اسلام باز می گردد. داوری به عنوان سازوکاری خصوصی و کم هزینه برای حل اختلافات، قابلیت تسریع در روند رسیدگی، کاهش هزینه ها و کاستن از بار دستگاه قضایی را دارد. با وجود ظرفیت های قابل توجه این نهاد، جایگاه آن در نظام حقوقی ایران همچنان کمرنگ است. چالش هایی چون ضعف در فرهنگ سازی، نبود نهادهای داوری کارآمد در سطح ملی، خلأهای قانونی و عدم انسجام سیاست گذاری های کلان، مانع از ایفای نقش مؤثر داوری در فرآیند تحقق عدالت شده اند. در این مقاله با رویکرد تحلیلی - تطبیقی و با بررسی متون حقوقی، مقررات جاری، آرای فقهی و اسناد بالادستی نظیر سیاست های کلی قضایی و برنامه های توسعه، تلاش شده تا ظرفیت های بالقوه نهاد داوری در ارتقای شاخص های توسعه قضایی تحلیل شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بهره گیری نظام مند از داوری، همراه با اصلاحات نهادی و تقنینی، می تواند نقش مهمی در بهبود دسترسی به عدالت، ارتقای اعتماد عمومی و کارآمدی نظام قضایی ایفا کند. در پایان، پیشنهادهایی در زمینه تقویت زیرساخت های داوری، حمایت قانونی از نهادهای داوری، و ارتقای آگاهی عمومی نسبت به این روش حل و فصل اختلافات ارائه شده است.

کلیدواژگان: توسعه قضایی، داوری، عدالت، حل اختلاف، سیاست های قضایی، اسناد بالادستی

نحوه استناددهی: حبیبی درگاه، شعبانی، پیام، اسلامی پناه، علی، خالقیان، جواد. (۱۴۰۳). نقش نهاد داوری در توسعه قضایی با نگاهی به اسناد بالادستی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۹۴-۱۱۳.



(Aghaei et al., 2020). نهاد داوری اساساً یک توافق در ایجاد

عدالت خصوصی از طریق یک مرجع غیردولتی است. باید دید نهاد داوری از چه ماهیتی برخوردار است. در رابطه با ماهیت نهاد داوری اتفاق نظر وجود ندارد و ماهیت این نهاد مدت‌ها موضوع مناظره و اظهار نظر بوده است. در این مورد چهار نظریه ماهیت قراردادی، ماهیت صلاحیتی، ماهیت مختلط و ماهیت مستقل یا خودآیین وجود دارد.

از شاکله‌های جامعه مدنی، واگذاری بخش‌هایی از حاکمیت به نهادهای مردمی غیر دولتی و نیز اعمال سیاست عدم تمرکز در بخش‌های دولتی است. بنابراین، همان‌گونه که توسعه سیاسی به معنای توزیع قدرت سیاسی جامعه در بین نهادهای مردمی در حوزه‌های مختلف و واگذاری واقعی حاکمیت سیاسی به آن‌ها است، یکی از آثار پذیرش توسعه قضائی، ایجاد نهادهای مشابه در حوزه وظایف قوه قضائیه و واگذاری بخشی از مسئولیت‌های این قوه به آن‌ها است. پیشینه این اندیشه در تاریخ حقوق ایران به سال‌های تصویب قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی سال ۱۳۲۹ قمری برمی‌گردد و سابقه‌ای بس طولانی‌تر از پیدایش تفکر جامعه مدنی در ایران دارد. زیرا مظهر این اندیشه در نهاد داوری است که به موجب آن بخشی از حوزه صلاحیت قضائی محاکم به طور محدود به قضات خارج از حوزه اقتدار حاکمیت تفویض می‌گردد، در مصوبه قانونگذار سال ۱۳۲۹ تبلور یافته است. پس از وقوع انقلاب در ایران و با تأسیس سازمان قضائی جدید، دو نهاد

امروزه با افزایش جمعیت و رشد پرونده‌های قضائی، مشکلات ناشی از مراجعه شهروندان به دادگاه‌ها و دادرها بیشتر شده است. این وضعیت یکی از اسباب اصلی اطاله دادرسی^۱ در دستگاه قضائی به شمار می‌آید. اطاله دادرسی را می‌توان یکی از مهم‌ترین مشکلات دستگاه قضائی کشور دانست که علی‌رغم تلاش‌های مختلف در دوره‌های مختلف مدیریت این قوه برای کاهش آن، همچنان این معضل وجود دارد. بهبود سیستم قضائی و توسعه آن امری ضروری است که توسط دستگاه قضائی کشور پیگیری می‌شود و مسئولان قضائی همواره در تلاش‌اند تا موانع موجود در این مسیر را از میان بردارند.

دستگاه قضائی، به عنوان یکی از سه قوه اصلی هر کشور، مخاطبانی دارد که انتظارات زیادی از آن دارند. این مخاطبان، یعنی مردم، چه آن‌هایی که در یک پرونده قضائی به صورت بالفعل درگیر هستند و چه آن‌هایی که از نتایج تصمیمات درست یا نادرست این دستگاه متأثر می‌شوند، انتظار بهترین عملکرد را از دادگاه‌ها دارند. همواره، حقوق‌دانان در تلاشند تا به روند دادرسی سرعت بخشیده، اجرای عدالت را در کمترین زمان میسر سازند و اعتماد مردم به دستگاه قضائی را افزایش دهند. منظور از تسریع دادرسی این است که تا حد امکان در دادرسی گام سریعی برداشته شود، بدون آن که حقوق اساسی فرد، مانند اصل برائت، حق دفاع و نظم قضائی صدمه‌ای وارد آید (Bayat, 2020).

یکی از شاخص‌های اساسی توسعه قضائی^۲، گسترش استفاده از نهاد داوری^۳ است. نهاد داوری یکی از نهادهای مهم در نظام‌های حقوقی بین‌المللی است که آثار تصمیمات حقوقی آن در حوزه‌های مختلف گسترده شده است. اصولاً در محاکم داوری، می‌بایست موضوع قرارداد یا اختلاف در هر قرارداد داوری، حدود اختیارات، نقش داوران و تشریفات رسیدگی، به صراحت ذکر گردد (J.

^۱ Arbitration

^۱ Judicial Delay

^۲ Judicial Development

پذیرش رژیم‌های حقوقی قرار گرفته است. این مقبولیت و پذیرش در بین مردم به ویژه در محافل تجاری، شرکت‌های اقتصادی و دولت‌ها شیوع بیشتری داشته است، به گونه‌ای که نهاد داوری در اغلب کشورها مراحل میان‌سالی خود را سپری می‌کند.

گرچه در گذشته تمایل به توسل به داوری بیشتر در روابط خصوصی افراد رواج داشت، اما امروزه این تمایل بیشتر در جهت حل و فصل اختلافات سیاسی، اقتصادی و تجاری میان شرکت‌های بزرگ است. در حال حاضر، استفاده از نهاد داوری ماهیتی فراملی و جهانی یافته است به گونه‌ای که ساختارهای جهانی را به سمت پیشرفت اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دچار دگرگونی نموده و ساختارهای جدیدی را پی‌ریزی کرده است (Behbahani, 2016).

تحقیق حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است که به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات از طریق فیش‌برداری از کتب و مقالات حقوقی و فقهی مرتبط با موضوع انجام گرفت. اطلاعات در این تحقیق با توجه به این‌که جنبه تفسیری بر این تحقیق حاکم است، شیوه‌ی کیفی است.

پیشینه پژوهشی و مبانی نظری

در این بخش، به برخی از مقالات و پژوهش‌ها در مورد نقش نهاد داوری در توسعه قضایی پرداخته می‌شود:

آقای و همکارانش در سال ۱۳۹۹ اشاره کرده‌اند که نهاد داوری از حالت سنتی و ساده خود خارج شده و به شکل توافقی و قراردادی درآمده است. آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که برای گسترش کارایی نهاد داوری، لازم است که قوانین و مقررات داخلی کشورها به‌روز و بهینه‌سازی شوند و به‌روز شوند تا بتوان بسیاری از

قضائی مردمی مفید «شورای داوری»^۲ و «خانه انصاف»^۳ را کلاً تعطیل نمودند، اعتبار آراء داوری نیز به دلیل آنکه داور یا داوران اغلب فاقد شرایط اجتهاد بودند، تا مدت‌ها مورد تردید قرار گرفت. با گسترش نهاد داوری در سیستم قضائی و همراهی آن با شاخص‌های دیگر (سیستم الکترونیک و فناوری اطلاعات)، می‌توان به کاهش تعداد مراجعات به شعبات دادگاه‌ها، کاهش اطاله دادرسی، و در نهایت افزایش رضایت‌مندی بیشتر شهروندان از دستگاه قضائی امیدوار بود. این روند از تأکیدات اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، از جمله سند تحول قضائی (۱۳۹۹)، برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)، و سیاست‌های کلی نظام در حوزه قضائی (ابلاغی ۱۳۸۱)، که بر لزوم تقویت نهادهای داوری و سایر روش‌های جایگزین حل اختلاف تأکید دارند، نشأت می‌گیرد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل نقش نهاد داوری به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه قضائی در راستای تحقق اهداف توسعه قضائی کشور انجام شده است.

بر اساس مطالعات حقوقی، داوری به‌عنوان یکی از ابزارهای حل و فصل اختلافات، می‌تواند به‌ویژه در موارد تجاری و اقتصادی، از فشار موجود بر سیستم قضائی بکاهد و به تسریع دادرسی کمک کند. از این رو، بررسی روندهای داوری در کشورهای مختلف و ارزیابی ظرفیت‌های این نهاد برای تسریع دادرسی و کاهش اطاله دادرسی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود عملکرد دستگاه قضائی ایفا کند (Y. Aghaei et al., 2020). فارغ از تعاریفی که حقوقدانان از نهاد داوری ارائه کرده‌اند، باید گفت که در دوران معاصر، داوری یکی از پرطرفدارترین و اصلی‌ترین روش‌های فصل خصومت است که در اشکال متنوع و گوناگونی ظهور پیدا کرده و مورد

^۳ - House of Justice

^۲ - Arbitration Council

۴ - خانه‌های انصاف نهادهایی بودند که عمدتاً در مناطق روستایی با هدف حل و فصل اختلافات مردم بر اساس عرف محلی، عدالت اجتماعی و مصالحه راه‌اندازی شدند.

^۲ - شورای داوری نهادی بود که در دهه‌های پیش از انقلاب برای رسیدگی به دعاوی حقوقی کم‌اهمیت و ساده با هزینه و تشریفات کمتر از دادگاه‌های عمومی تشکیل شد.

که اطلاع دادرسی یکی از چالش‌های همیشگی سیستم قضائی کشور است که با وجود تلاش‌های مختلف برای کاهش آن، همچنان این مشکل پابرجا است. این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش اطلاع دادرسی شامل توسعه کیفی نیروی انسانی، اصلاح فرآیندهای رسیدگی، اصلاح قوانین و مقررات، و ایجاد نهادهای تکمیلی مانند داوری است. پژوهشگران همچنین بر اهمیت نهاد داوری در کاهش فشارهای قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات تأکید دارند (Darabi & Rafiei Tabatabaei, 2019).

مفهوم داوری

در این قسمت به تعریف داوری، مفهوم لغوی و حقوقی آن پرداخته می‌شود.

۱- تعریف داوری

به طور کلی در فصل خصومت‌ها و اختلافات، راهکار و شیوه‌ای صائب‌تر و گزیده‌تر از شیوه کدخدا منشی و مصالحه وجود ندارد. زیرا آنچه به صورت یقینی مسلم است؛ قاضی را باید فردی جاهل و ناآگاه میان دو آگاه و عالم دانست که در پی ستاندن حق و صدور حکم است اما مبنا و هدف از رجوع به داوری را می‌توان به وجود آوردن صلح و سازش میان طرفین دعوا دانست و شاید همین هدف باشد که موجب طیب خاطر طرفین دعوا می‌گردد. به همین دلیل، داوری در بسیاری از سیستم‌های قضائی به عنوان روشی کارآمد و جایگزین برای حل و فصل اختلافات مد نظر قرار می‌گیرد (Shariat Panahi, 1977).

در فرآیند توسعه قضایی، داوری نه تنها به کاهش بار دادگاه‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به بهبود دسترسی به عدالت و تسریع در فرآیند حل اختلافات نیز منجر شود. این شیوه حل اختلاف، با تمرکز بر توافق طرفین و انتخاب داورانی که از نظر حرفه‌ای معتبر باشند، می‌تواند به عنوان راه حلی برای مسائل پیچیده و تخصصی مورد استفاده قرار گیرد (Matin Dafari, 2002).

اختلافات حقوقی را از طریق داوری حل کرد. با این حال، نهاد داوری هنوز فاقد ساختار سازمانی مشخصی است و تفسیرپذیری قواعد حقوقی آن به‌ویژه تحت تأثیر سیطره برخی کشورها بر قواعد حقوقی عمومی، مانع از گسترش آن به صورت جهانی است. با این حال، در حال حاضر، نهاد داوری فاقد یک ساختار سازمانی مشخص و هماهنگ است و تفسیرپذیری قواعد حقوقی آن تحت تأثیر سیطره برخی کشورها بر قواعد حقوقی عمومی، مانع از گسترش آن در سطح جهانی است (Y. Aghaei et al., 2020). یاری نیک و شعبان‌نیا منصور در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر دفاتر خدمات الکترونیک قضایی بر کاهش اطلاع دادرسی؛ مطالعه موردی در کلان‌شهر تهران"، نشان داده‌اند که این دفاتر توانسته‌اند میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌ها را تا حد زیادی کاهش دهند. آن‌ها همچنین بهبود عدالت الکترونیک، تسریع در ارائه دادخواست‌ها و شکوائیه‌ها، و حذف محدودیت‌های جغرافیایی را از جمله مزایای این دفاتر برشمرده‌اند که در نهایت موجب کاهش اطلاع دادرسی گردیده است (Yari Nik & Shaban Nia Mansour, 2020).

رفیعی طباطبایی در پژوهشی در سال ۱۳۹۹ با عنوان "بررسی اقدامات قوه قضائیه در راستای اصلاح فرآیندهای رسیدگی و تأثیر آن بر کاهش اطلاع دادرسی" نشان داده‌اند که اصلاحات قوه قضائیه در دو بخش عمده قابل تقسیم است: نخست، اصلاحات پیش از طرح دعوی در محاکم و دوم، مدیریت قضایی در زمان دادرسی. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهبود در تدوین صحیح و نگارش دادخواست‌ها می‌تواند از تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها جلوگیری کند و به تسریع دادرسی و کاهش اطلاع دادرسی کمک کند (Rafiei Tabatabaei, 2020).

دارابی و رفیعی طباطبایی در سال ۱۳۹۸ در پژوهش خود با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر رفع اطلاع دادرسی و توسعه قضایی: مطالعه موردی دادگستری شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶" بیان کرده‌اند

استفاده از داوری به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات، امروزه این نهاد در قالب حقوقی و ساختارهای قانونی به شکلی منسجم‌تر و جامع‌تر بکار گرفته می‌شود.

۳- مفهوم حقوقی داوری

داوری در مفهوم حقوقی به طور کلی باید حل و فصل خصومت‌ها به وسیله اشخاص دانسته شود. این به این معناست که طرفین دعوی بنا به اراده و درخواست خود، با یکدیگر به این توافق برسند که حل و فصل اختلافات میان آنان به واسطه فرد یا افرادی که وثاقت آن‌ها را قبول دارند، صورت گیرد. این روند، نه اینکه به مراجع قضایی دادگستری پیگیری شود (Shariat Panahi, 1977). در واقع، داوری یک روش قراردادی برای حل و فصل اختلافات است که طرفین بدون مراجعه به محاکم قضائی به آن روی می‌آورند.

بعضی از حقوق‌دانان داوری را به عنوان نوعی انحراف از مراجعه به مراجع قضایی دادگستری تعریف می‌کنند. در این شیوه، طرفین دعوی به انتخاب خود، فردی را به عنوان داور یا هیأت داوری می‌سنجند که از نظر آگاهی فنی و امانتداری مورد اعتماد آن‌ها باشد (Matin Dafari, 2002). برخی دیگر نیز داوری را حل و فصل اختلافات به شیوه حکمیت اشخاص می‌دانند که می‌تواند از سوی اصحاب دعوی یا حتی مراجع قضائی انتخاب شود (Jafari Langaroudi, 1984).

در این راستا، داوری به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ و ماده ۳۱ کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ نیز مورد تأکید قرار گرفته است (UNCITRAL). همچنین کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل (UNCITRAL) در گزارش‌های اخیر خود، داوری را روشی کارآمد و قابل اعتماد برای حل اختلافات فراملی معرفی می‌کند (UNCITRAL).

۲- مفهوم لغوی داوری

داور در لغت بر وزن «خاور»، در اصل بر وزن «دادگر» بوده و واژه‌ای فارسی است که دال آن به واسطه سهولت در تلفظ حذف شده است (Dehkhoda, 1959). همچنین احقاق حق را نیز باید بر دیگر معانی داور افزود (Jafari Langaroudi, 2008). داور یکی از نام‌های خداوند تبارک و تعالی است (Moin, 1981). از دیگر معانی ذکر شده برای داور، حاکم، حکم قاضی و کسی است که برای قطع و فصل مرافعه دو یا چند تن انتخاب می‌شود (Amid, 1990). به گفته دکتر ناصر کاتوزیان، ریشه‌ی واژه داوری در فرهنگ ایران باستان با مفهوم «داد» و «آشتی» گره خورده و از همان ابتدا ناظر بر سازوکارهای غیرقضایی حل اختلاف بوده است (Katouzian, 1994).

این تعریف لغوی نشان‌دهنده اهمیت مفهوم داوری در حل و فصل اختلافات به طور سنتی و تاریخی است. با توجه به تاریخچه

که موضوع آن مشمول موافقت‌نامه‌ای باشد که در مفهوم این ماده می‌گنجد، آن دادگاه، به درخواست یکی از طرفین، طرفین را به داوری ارجاع خواهد داد، مگر آنکه احراز نماید که موافقت‌نامه مزبور باطل، بی‌اثر یا غیرقابل اجرا است.

۴ New York Convention 1958

۳- ماده ۱ کنوانسیون: تأسیس مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ICSID) را اعلام می‌کند. این مرکز برای فراهم کردن یک مکان مستقل و بی‌طرف جهت حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خصوصی از طریق داوری تأسیس شده است.

۴- Washington Convention 1965

۱- ماده ۲ کنوانسیون: ۱. هر یک از دولت‌های متعاقد، موافقت‌نامه کتبی‌ای را به رسمیت خواهد شناخت که به موجب آن، طرفین توافق نموده‌اند کلیه یا برخی از اختلافاتی را که در خصوص یک رابطه حقوقی مشخص اعم از قراردادی یا غیر قراردادی، میان آنان ایجاد شده یا ممکن است در آینده ایجاد شود، به داوری ارجاع دهند، مشروط بر آنکه موضوع اختلاف، قابلیت ارجاع به داوری را داشته باشد. ۲. اصطلاح «موافقت‌نامه کتبی» شامل شرط داوری مندرج در قرارداد یا موافقت‌نامه داوری جداگانه‌ای است که توسط طرفین امضا شده یا در تبادل نامه‌ها، تلگرام‌ها یا سایر وسایل ارتباطی کتبی، مستند شده باشد. ۳. هرگاه دعوی نزد دادگاه یکی از دولت‌های متعاقد مطرح شود

دادرسی به شمار می‌رود. در دنیای امروز، به‌ویژه با توجه به پیچیدگی‌های روابط بین‌المللی و تجاری، داوری به‌عنوان یک ابزار ضروری برای حل و فصل سریع و کارآمد اختلافات حقوقی شناخته می‌شود (Latif, 2011).

ماهیت داوری

ماهیت داوری یکی از مباحث مهم در علم حقوق است که دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد. در این قسمت به بررسی و تحلیل چهار نظریه مختلف در رابطه با ماهیت داوری می‌پردازیم: نظریه قراردادی، قضایی، مختلط، و اصیل.

۱- نظریه قراردادی^۱

این نظریه بر پایه اصل اراده و توافق طرفین استوار است. بر اساس این دیدگاه، تمام فرآیندهای داوری تنها به توافق و تراضی طرفین دعوا بستگی دارند و هیچ عنصر دیگر، از جمله دخالت دولت یا دستگاه قضایی، در این روند نقش ندارد. از این رو، رأی داوری برای طرفین دعوا معتبر و نافذ است زیرا این اعتبار ناشی از اصل حاکمیت اراده است و نه از اقتدار عمومی نظام قضایی (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۳۵). بر اساس این نظریه، داوری یک قرارداد است و رأی داور تعهدی الزام‌آور محسوب می‌شود که طرفین داوری با رضایت بدان ملتزم شده‌اند و در واقع، داور نماینده ارادی طرفین در حل اختلاف است. این دیدگاه در حقوق فرانسه^۲ و دکتترین قراردادرایانه‌ای مانند نظریات فیلیپ فوشه و گلدمن سابقه دارد (Fouchard et al., 1999).

این نظریه تأکید دارد که چون توافق طرفین در انتخاب داور مبنای اصلی فرآیند داوری است، به‌طور کلی ماهیت داوری قراردادی است و در نتیجه هیچ‌گونه دخالت قانونی یا قضایی در این فرآیند الزامی نیست (Rahnama, 2015).

۲- نظریه قضایی^۳

بر اساس نظر دکتر محسن اسماعیلی، داوری دارای ماهیت شبه‌قضایی است اما در بستر خصوصی و توافقی عمل می‌کند؛ از این رو تلفیقی از نظم قراردادی و ماهیت قضایی را با خود دارد (Ismaili, 2019).

داوری در واقع به‌عنوان سیستمی قراردادی برای حل و فصل اختلافات بین اصحاب خصم شناخته می‌شود که به جای رجوع به دادگاه، طرفین به شخص یا اشخاص منتخب خود برای حل و فصل اختلافات اعتماد می‌کنند (Tahawi, 2014). در این راستا، داوری یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی است که می‌تواند در فرآیند توسعه قضایی و کاهش حجم پرونده‌های قضایی مؤثر واقع شود.

در تعریفی دیگر آمده: «شیوه‌ای برگزیده‌شده از سوی اصحاب دعوا برای رسیدگی و ارائه راه‌حل به اختلاف، بدون مراجعه به قاضی؛ که این وظیفه بر عهده شخص یا اشخاص منتخب، یعنی داور یا هیأت داوری، قرار می‌گیرد» (Al-Nadawi, 1983).

در قوانین موضوعه ایران، تنها تعریفی که از داوری به عمل آمده، در ماده یک قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب سال ۱۳۷۶ آمده است که بیان می‌کند: «رفع اختلافات بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی». همچنین ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به چگونگی داوری تأکید می‌کند: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلافات خود را به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.» البته این ماده را نمی‌توان تعریف داوری دانست، بلکه صرفاً به امکان و سازوکار ارجاع اختلاف به داوری اشاره دارد.

این تعاریف قانونی نشان می‌دهد که داوری نه تنها یک روش حل اختلاف، بلکه یکی از ارکان مهم در توسعه قضایی و کاهش اطاله

۱ Jurisprudential Theory

۲ Contractual Theory

۳ France

کوهلر یا امانوئل گایلارد می‌توان دید که داوری را «قضایی خصوصی‌شده»^۱ توصیف کرده‌اند (Kaufmann-Kohler, 2005).

این دیدگاه به‌ویژه در داوری‌های بین‌المللی و تجاری کاربرد دارد، جایی که طرفین با انتخاب داور، در واقع تصمیم می‌گیرند که اختلافاتشان را با یک سیستم نیمه قضائی حل کنند که از اصول حقوقی مشابه با محاکم قضائی پیروی می‌کند.

۴- نظریه اصیل^۲

طرفداران این نظریه معتقدند که داوری نمی‌تواند تنها به‌عنوان یک فرآیند قضائی یا قراردادی در نظر گرفته شود، بلکه باید به‌عنوان یک نهاد مستقل و اصیل شناخته شود که به‌طور ویژه برای حل و فصل اختلافات طراحی شده است. این دیدگاه تأکید می‌کند که داوری از نظر ماهیت، نمی‌تواند صرفاً ترکیبی از جنبه‌های قضائی و قراردادی باشد بلکه باید به‌عنوان یک فرآیند مستقل در نظر گرفته شود که نه تنها بر اساس اراده طرفین، بلکه با حفظ اعتبار و اجرای صحیح حکم، اثرات قضائی خود را اعمال کند. بر پایه این نظریه، داوری نهاد مستقلی است با قواعد ماهوی خاص، و رأی داور از درون همین ساختار مشروعیت می‌یابد نه از قرارداد یا دادگاه (Liu, 2009).

بر اساس این دیدگاه، باید قواعد و مقررات خاصی برای داوری وضع شود تا به‌طور مستقل از نظام قضائی عمل کند و در عین حال، احکام صادره از داوری دارای اعتبار اجرائی باشد. تا داوری بتواند نقش خود را در توسعه نظام قضایی و کاهش تراکم دعاوی ایفا کند. این نظریه از نهاد داوری به‌عنوان یک سیستم حل اختلاف مستقل و بدون دخالت محاکم قضائی تأکید دارد که در موارد خاص می‌تواند احکام اجرائی خود را به دست آورد (Sami, 1992).

نظریه قضایی دیدگاه متفاوتی را مطرح می‌کند که بر اساس آن داوری به‌عنوان یک شاخه فرعی از دستگاه قضایی باید در نظر گرفته شود. به این معنا که تنها در صورتی می‌توان رأی داوری را معتبر دانست که نهاد داوری جزئی از ساختار قضائی کشور باشد. در این دیدگاه، داور باید ویژگی‌هایی مانند استقلال و بی‌طرفی که مختص قضات است، داشته باشد و رأی داور مانند رأی قاضی دارای اثر امر مختومه است (Shams & Bathaei, 2015). این نظریه در نظام‌هایی که داوری را در چارچوب حمایت قضایی شدید می‌پذیرند مانند نظام حقوقی آلمان یا مصر، پررنگ‌تر است (Abdel-Ati, 2018).

بر اساس این نظریه، داوری نه تنها یک فرآیند خصوصی است بلکه در صورتی که در نظام قضائی کشور به رسمیت شناخته شود، می‌تواند مشابه به روند قضائی در دادگاه‌ها عمل کند. بنابراین، رأی داوری از حیث اعتبار، مانند رأی قاضی در دادگاه است و حاکمیت قضائی آن را تضمین می‌کند.

۳- نظریه مختلط^۳

این دیدگاه ترکیبی از نظریه‌های قبلی است و به اعتقاد صاحب‌نظران این دیدگاه، داوری دارای جنبه‌های مختلف است. از یک سو، اراده طرفین دعوا مبنای انتخاب داور است و از سوی دیگر، چون رأی داور در بسیاری از موارد به‌عنوان یک حکم قضائی معتبر است، این جنبه قضائی نیز در داوری دخیل است. بنابراین، ماهیت داوری هم به‌صورت قراردادی است که از توافق طرفین نشأت می‌گیرد و هم از جنبه قضائی برخوردار است که به رأی داور اعتبار قانونی می‌دهد و ماهیت داوری ترکیبی از خصوصیات قراردادی و قضایی است (R. Mafi & F. Taghipour, 2017; S. Mafi & B. Taghipour, 2017). در ادبیات بین‌المللی نیز این رویکرد را در نظریات گابریله کافمن-

۲ Fundamental Theory

۳ Mixed Theory

۴ Privatized Judicial System

انواع داوری

به طور معمول هر نهادی که در بین افراد بشری سعی در ایفای نقش باشد، دارای شیوه مشخص و انواع مختلفی است که نهاد داوری نیز دارای شرایط و انواعی است که در این مبحث تلاش شده تا به طور مختصر بررسی شود. داوری را می‌توان از منظر دکترین و قوانین به انواعی تقسیم کرد که در این گفتار سعی در شناسایی آن‌ها خواهد شد. می‌توان نهاد داوری را از جهت اراده و توافق اصحاب دعوا و یا به تصمیم قاضی دادگاه، به دو نوع اختیاری و اجباری طبقه بندی کرد. همچنین از منظر نحوه سازمان‌دهی می‌توان آن را به داوری موردی و سازمانی نیز تقسیم کرد. این تفکیک در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد توجه بوده و هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد (Nasiri, 2017).

۱- داوری اختیاری^۱

در داوری اختیاری، اصحاب دعوا با توافق یکدیگر تصمیم می‌گیرند که اختلاف خود را به داوری ارجاع دهند. در این نوع داوری، طرفین به صورت آزادانه و بر اساس اراده خود، شخص یا اشخاصی را به عنوان داور انتخاب کرده و به تصمیمات آن‌ها احترام می‌گذارند و آن‌ها را اجرا می‌کنند. این نوع داوری به طور معمول خارج از دستگاه قضائی انجام می‌شود و هیچ‌گونه الزام قانونی برای مراجعه به داور وجود ندارد (Khedri, 2014; A. Rafiei, 2013; S. M. Rafiei, 2013). در این نوع داوری، طرفین می‌توانند شرایط داوری، از جمله شیوه رسیدگی، تعداد داوران و سایر جزئیات را خود تعیین کنند.

این نوع داوری معمولاً در قراردادهای تجاری، خانوادگی یا ملکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تجلی اصل حاکمیت اراده در حل و فصل اختلافات است. در حقوق تطبیقی نیز داوری اختیاری به عنوان راهکاری برای کاهش بار دستگاه قضایی شناخته می‌شود.

۲- داوری اجباری^۲

داوری اجباری را می‌توان هنگامی محقق دانست که دادگاه رأساً و بدون تقاضای اصحاب دعوا و یا به درخواست یکی از اصحاب دعوا بدون در نظر گرفتن نظر طرف دیگر دعوا، موضوع را به داوری ارجاع می‌دهد. همچنین می‌توان اینگونه بیان داشت که در داوری اختیاری، اصحاب دعوا این اختیار را دارند که در گستره ی قانون، هر نوع مقررہ ای را برای داوری خود برگزینند و تعیین کنند لکن در داوری اجباری، محدودیت‌هایی بر سر راه اختیار اصحاب دعوا وجود دارد (Nahvi & Asadinejad, 2016). در این حالت، طرفین نمی‌توانند از ارجاع پرونده به داور خودداری کنند. داوری اجباری ممکن است در دو صورت رخ دهد: اولاً، در برخی دعاوی، قانون اصحاب دعوا را ملزم به مراجعه به داوری می‌کند؛ و دوم، اصحاب اختلاف ممکن است خود به موجب قراردادی که میان آن‌ها منعقد شده، توافق کنند که اختلافات خود را به داور ارجاع دهند (Shiravi, 2012).

در این نوع داوری، برخلاف داوری اختیاری، محدودیت‌هایی در انتخاب قواعد و شرایط داوری وجود دارد، زیرا ارجاع به داوری ممکن است طبق قانون یا دستور دادگاه باشد و نمی‌توان از آن جلوگیری کرد (Nahvi & Asadinejad, 2016). در حقوق کشورهای عربی مانند مصر و اردن نیز برخی مقررات مشابهی در زمینه داوری اجباری وجود دارد، به‌ویژه در اختلافات صنفی یا قراردادهای خاص عمومی که مراجعه به داور پیش از طرح دعوا در دادگاه الزامی است (Abdel-Fattah, 2019).

۳- داوری موردی^۳

داوری موردی را باید به این معنا حمل کرد که هرگاه طرفین اختلاف با یکدیگر تراضی نمایند که جهت حل اختلاف خود به دستگاه قضایی مراجعه نکنند و چاره حل و فصل اختلافات خود

۲ Ad Hoc Arbitration Or Case-specific Arbitration

۱ Optional Arbitration Or Voluntary Arbitration

۳ Mandatory Arbitration Or Compulsory Arbitration

امریکا این اجازه را به طرفین بدهند که قواعد غیر از واحد سازمان داوری مثل قواعد داوری آنسیترال را برای داوری انتخاب نمایند. مدیریت داوری متضمن تسهیل روند تعیین داور و کسب قبولی و نظارت در جریان داوری است و احتمالاً عزل وی در مواردی به نظارت شکلی هم قابل تسری است.

در داوری‌های سازمانی ما با یک قرارداد سه جانبه مواجه هستیم که طرفین دعوا، سازمان داوری و داور که هر کدام از آن‌ها در مقابل یکدیگر دارای حقوق و تعهداتی می‌باشند. باید خاطر نشان کرد که داوری سازمانی به دلیل مدیریتی که بر جریان داوری دارد، بسیار مفیدتر از داوری موردی است.

از جمله مهم‌ترین سازمان‌های داوری می‌توان به مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی،^۳ مرکز داوری لندن؛ و در سطح منطقه‌ای مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران اشاره کرد که هر یک با تدوین آیین‌نامه‌های خاص، نقش مؤثری در توسعه نظم داوری بین‌المللی و داخلی ایفا کرده‌اند.

مفهوم توسعه قضایی

توسعه قضایی مفهومی است که در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وضوح بیان شده است. بر اساس این اصل، گسترش عدل و داد از وظایف ذاتی دستگاه قضایی است و یکی دیگر از وظایف آن، احیای حقوق عامه مردم است. در این راستا، واژه "گسترش" معادل "توسعه" به کار رفته و می‌توان توسعه عدل و داد را به عنوان یکی از تکالیف قوه قضائیه تعریف کرد. بنابراین، هر گامی که نظام قضایی برای تحقق این هدف بردارد، در واقع اقدامی در راستای توسعه قضایی محسوب می‌شود. در زبان حقوقی، واژه "توسعه" به معنای خاص خود کاربرد ندارد و برای درک صحیح آن باید به معنای لغوی و عرفی این واژه توجه کرد. در فرهنگ لغت، واژه توسعه به معنای "رشد و گسترش" آمده

را در رجوع به داوری ببینند با وجود شرایطی داوری محقق شده است (Ilkhani Zadeh, 2007). در این نوع از داوری، تمامی ساز و کارهای آن توسط خود اصحاب دعوا مشخص می‌شود به طور مثال، این طرفین اختلاف هستند که شیوه برگزاری و همچنین زبان داوری، تعداد داوران و ... را با تراضی یکدیگر انتخاب می‌کنند که این نوع داوری اعم از داوری به صورت انفرادی و یا داوری به صورت گروهی است.

ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در این مورد چنین بیان داشته است، "کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند، می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند".

داوری موردی در عمل می‌تواند انعطاف‌پذیرتر از داوری سازمانی باشد اما در عین حال، به دلیل فقدان پشتیبانی نهادی، با ریسک‌های بیشتری نظیر تأخیر در تعیین داور یا اختلاف در تفسیر آیین رسیدگی مواجه است.

۴- داوری سازمانی^۴

گاه ممکن است اصحاب دعوا حین مذاکرات در مورد انعقاد عقد اصلی، در آن شرطی به عنوان رجوع به داوری نهادی یا سازمانی قرار دهند و ضمن قرارداد، اصحاب دعوا می‌پذیرند که همه ی مسائل مربوط به آیین رسیدگی داوری و همچنین تعیین امور ماهوی حاکم بر اختلاف طبق قواعد و راهکارهای سازمان یا نهاد داوری منتخب حل و فصل شود.

تفاوتی که این نوع داوری با داوری موردی دارد این است که طرفین دعوا ابتدا به سازمان داوری مراجعه می‌کنند و از آن می‌خواهند که بر طبق مقررات داوری سازمانی ذربط به داوری بپردازد. البته ممکن است بعضی از سازمان‌ها مثل انجمن داوری

۳ ICC

۴ LCIA - London Court of International Arbitration

۳ Institutional Arbitration Or Organizational Arbitration

۴ UNCITRAL Arbitration Rules

است (Amid, 1990). در اصطلاح حقوقی، توسعه به معنای هر نوع تغییر و دگرگونی در ساختار یا تشکیلات است که می‌تواند هم از نظر کمی (افزایش تعداد و اعضا) و هم از نظر کیفی (بهبود کیفیت) باشد. هدف این تغییرات، رسیدن به شرایط بهتر و مطلوب‌تر است (Validi, 2010).

در مفهوم توسعه قضایی، هدف حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است؛ یعنی هر چه بیشتر به وضعیت دلخواه نزدیک شویم، توسعه قضایی بیشتری حاصل شده است. این مفهوم توسعه قضایی را نباید با «رشد» اشتباه گرفت. رشد به معنای افزایش کمی است، مانند افزایش تعداد دادگاه‌ها، قضات، و کارمندان. اما توسعه قضایی به معنای گسترش سطح کیفی است که صرفاً افزایش کمی آن را دربر نمی‌گیرد. در حقیقت، توسعه قضایی به معنای فراهم کردن زمینه‌های گسترش حقوق و تکالیف انسانی بر اساس اصول فقهی و حقوقی است و در نهایت بر اساس مقتضیات اجتماعی باید به‌سوی تحقق عدالت و انصاف حرکت کند.

در همین راستا، توسعه قضایی مفهومی چندبعدی است که نه تنها ناظر به افزایش توانمندی‌های ساختاری و نهادی قوه قضاییه در پاسخگویی به نیازهای جامعه است، بلکه شامل اصلاح رویه‌ها، دسترسی عمومی به عدالت، ارتقای شفافیت و پاسخگویی، کاهش اطاله دادرسی، و گسترش نهادهای مکمل مانند داوری، میانجی‌گری و سازوکارهای حل اختلاف نیز می‌شود. در برخی اسناد بین‌المللی مانند گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل نیز «دسترسی به عدالت» و «نهادهای پاسخ‌گو» از اجزای کلیدی توسعه پایدار محسوب شده‌اند، که در چارچوب بومی ایران، با توسعه قضایی هم‌پوشانی دارد.

بنابراین، توسعه قضایی مفهومی است که در عین ارتباط وثیق با مفهوم عدالت، نمی‌توان آن را صرفاً در چارچوب نهاد قضا محدود

کرد، بلکه باید آن را بخشی از حکمرانی خوب و توسعه انسانی دانست که در آن نهادهای قضایی کارآمد، مستقل و در تعامل با نهادهای غیردولتی، نقش مهمی در تضمین عدالت اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند. و در نهایت همچنین به ارتقای سطح حقوق بشر کمک می‌کند. لذا برای تحقق توسعه قضایی به معنای واقعی، تنها اتکا به ابزارهای رسمی دادرسی کافی نیست. لازم است سازوکارهایی مکمل مانند داوری، با تکیه بر ظرفیت‌های خود، در جهت تحقق عدالت و کاهش بار نهادهای قضایی رسمی به‌کار گرفته شوند. از این رو، توسعه قضایی باید نه تنها با افزایش کیفیت ساختارهای رسمی، بلکه با شناسایی و تقویت نهادهای جایگزین کارآمد از جمله داوری، تعریف شود.

توسعه قضایی و داوری در اسناد بالادستی^۳ جمهوری اسلامی ایران

دوران مشروطه خواهی در ایران را می‌توان سرآغاز اصلاحات و سازمان‌دهی دستگاه قضائی دانست. پس از این دوران، اصلاحات قضائی به‌ویژه در اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت و به یکی از اصول مهم نظام قضائی کشور تبدیل شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، برنامه‌هایی به‌صورت قانون برای پیشبرد سیاست‌های کلی کشور تصویب شدند. با این حال، این برنامه‌ها در عمل به دلیل نبود برنامه‌ریزی صحیح و کارشناسی شده، نتوانسته‌اند تأثیرات مطلوب خود را بر جای گذارند (D. Sabouri Pour & A. Kebriti, 2017; M. Sabouri Pour & K. Kebriti, 2017) که البته عدم برنامه‌ریزی صحیح و دقیق و کارشناسی شده در این برنامه‌های توفیری در کشور به وجود نیامده است.

۱- سند تحول قضائی قوه قضائیه

سند تحول قضائی قوه قضائیه که توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است، برنامه‌ای جامع برای اصلاح و

^۳- Accountable Institutions

^۴ High-Level Legal Documents Or Strategic Documents

^۵ United Nations Human Development Reports

^۶ Access to Justice

در برنامه ششم توسعه، که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۵ رسید، استفاده از داوری به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای حل اختلافات تجاری، اقتصادی، و مالی به طور برجسته‌ای مطرح شده است. این برنامه به ویژه بر لزوم گسترش نهادهای داوری در بخش خصوصی تأکید دارد و هدف آن کاهش بار دادگاه‌ها و تسهیل در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی و تجاری است.

در برنامه ششم توسعه، هدف اصلی از گسترش داوری، تسریع در حل و فصل اختلافات، کاهش هزینه‌های دادرسی، و افزایش دسترسی مردم به عدالت است. علاوه بر این، برنامه ششم توسعه به ویژه بر اهمیت استفاده از داوری در حل اختلافات اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد تا ایران بتواند در سطح جهانی جایگاه خود را در داوری‌های بین‌المللی مستحکم کند. همچنین توسعه قضائی در این برنامه به ویژه از منظر کاهش حجم دعاوی و جرم‌ها و بهبود فرآیندهای قضائی در سطح کیفری تأکید دارد و به دنبال ایجاد تغییراتی در سیستم قضائی است که به طور مؤثرتر و کارآمدتری به حل مسائل حقوقی و اجتماعی پرداخته و از فشار بر سیستم قضائی بکاهد.

در بند الف ماده ۱۱۶ حکمی جامع گنجانده شده و در این بند مقرر شد در راستایی کاهش مراجعات مردمی به دستگاه قضائی و تسریع در حل و فصل دعاوی، قوه قضائیه مکلف است سه کار انجام دهد؛ ایجاد و توسعه نهاد داوری، افزایش حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد اعتماد و استقبال عمومی از نهاد داوری و حمایت از آن تمهیدات لازم را در دو سال اول برنامه اتخاذ کند. در قانون برنامه ششم به این امر هم اشاره شده که اگر قانونی وضع شود و مغایر سیاست‌های کلی نظام باشد شورای نگهبان از تصویب آن خودداری می‌کند.

بهبود عملکرد دستگاه قضائی کشور را دربردارد. این سند تأکید ویژه‌ای بر استفاده از روش‌های جایگزین حل اختلاف (ADR) دارد، به ویژه روش‌هایی چون داوری، که می‌تواند به طور مؤثری به کاهش حجم پرونده‌ها در دادگاه‌ها کمک کند.

در این سند، هدف اصلی اصلاح ساختار قضائی و کاهش تراکم پرونده‌ها از طریق تشویق به استفاده از داوری و سایر روش‌های غیررسمی حل اختلاف تعیین شده است. همچنین توسعه و تقویت نهادهای داوری، به ویژه در حوزه‌های تجاری و بین‌المللی، به عنوان راهی برای تسریع در حل اختلافات تجاری و کاهش فشار بر دستگاه قضائی معرفی شده است. علاوه بر این، توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی برای استفاده از داوری، به ویژه در میان افراد و فعالان اقتصادی، نیز از نکات مهم این سند است.

۲- سیاست‌های کلی نظام^۲

سیاست‌های کلی نظام که به طور مستقیم از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده، به ویژه در بخش قوه قضائیه بر افزایش کارایی دستگاه قضائی و کاهش حجم پرونده‌ها تأکید دارد. در این سیاست‌ها، تأکید ویژه‌ای بر استفاده از داوری به عنوان یک ابزار کارآمد و مؤثر در حل اختلافات و کاهش بار دادگاه‌ها وجود دارد. این سیاست‌ها به ویژه از داوری در حوزه‌های تجاری و اقتصادی به عنوان یک روش سریع و کم‌هزینه برای حل اختلافات حمایت می‌کنند. استفاده از داوری به عنوان یک راه حل قانونی و رسمی برای حل اختلافات تجاری در سطح بین‌المللی نیز در این سیاست‌ها پیشنهاد شده است.

این اسناد همچنین به تقویت نهادهای داوری و ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب برای حمایت از آن‌ها تأکید دارند. این امر به ویژه برای بهبود جایگاه ایران در زمینه داوری‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اهمیت دارد.

۳- برنامه ششم توسعه

مخصوصاً بندهای مربوط به قوه قضائیه-۲

۲- Alternative Dispute Resoluti

همچنین، در این سند، تأکید شده که به منظور گسترش داوری، باید فرهنگ سازی گسترده ای در جامعه صورت گیرد تا مردم و فعالان اقتصادی از مزایای آن بهره مند شوند.

۵- قانون برنامه توسعه قضائی

قانون برنامه توسعه قضائی که به عنوان برنامه ای جامع برای اصلاحات ساختاری در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است، استفاده از داوری را به عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای تسریع در رسیدگی به پرونده ها و کاهش هزینه های دادرسی مورد تأکید قرار داده است.

در این قانون، به ویژه بر ایجاد و تقویت نهادهای داوری در سطح کشور و فراهم کردن زیرساخت های قانونی برای گسترش داوری تأکید شده است. همچنین، برای حل اختلافات اقتصادی و تجاری به ویژه در سطح بین المللی، از داوری به عنوان یک روش سریع، مؤثر، و با هزینه کمتر نسبت به دادگاه ها یاد شده است.

این قانون همچنین بر لزوم تأسیس نهادهای مستقل داوری و ارائه آموزش های تخصصی برای داوران تأکید دارد. در این راستا، تقویت نظام داوری برای حل اختلافات در حوزه های مختلف از جمله مسائل تجاری و اقتصادی، یکی از اهداف اصلی این برنامه است.

۶- برنامه های مندرج در اسناد بالادستی

با بررسی اسناد برنامه هایی که در حوزه داوری بر آنها تأکید شده است، شامل:

الف) تأکید بر کاهش اطاله دادرسی با کمک داوری:

در اسنادی نظیر سند تحول قضایی و قانون توسعه قضایی به صراحت آمده است که یکی از مهم ترین راهکارهای کاهش اطاله دادرسی و افزایش رضایت مردم از نظام قضایی، تقویت داوری و نهادهای جایگزین حل اختلاف است. داوری در اینجا به عنوان

سازمان داوری و میانجی گری نیز که مدتی است فعالیت خود را در اجرای بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی و در راستای ساماندهی و ارتقای نظام داوری به عنوان یکی از راهکارهای «توسعه روش های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» مندرج در فصل دوم سند تحول قضایی و به منظور افزایش مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی، کاهش مراجعه شهروندان به مراجع قضایی، تسریع در حل و فصل اختلافات و ایجاد، ساماندهی و توسعه نهادهای داوری و نظارت بر آنها، آغاز نموده است و در راستای آن دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و توسعه نهادهای داوری، به تصویب رسیده است، به نظر می بایست ساختار مستقل پیدا نموده و از زیر نظر دستگاه قضایی خارج گردد.

۴- بیانیه گام دوم انقلاب^۱

در بیانیه گام دوم انقلاب که در سال ۱۳۹۸ منتشر شد، مقام معظم رهبری بر اصلاحات اساسی در دستگاه قضائی تأکید کرده و گسترش عدالت را به عنوان یکی از اهداف کلیدی در نظر گرفته اند. در این بیانیه، به ویژه بر استفاده از روش های جایگزین حل اختلاف و تقویت نهادهای داوری به عنوان ابزاری برای کاهش تراکم پرونده ها و تسریع در دسترسی به عدالت تأکید شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب بر اصلاح و تقویت نهادهای داوری در سطح کشور و همچنین در سطح بین المللی، به ویژه در زمینه های اقتصادی و تجاری، تأکید دارد. به طور خاص، استفاده از داوری به عنوان ابزاری برای کاهش بار دادگاه ها و تسهیل حل اختلافات میان فعالان اقتصادی در سطح ملی و بین المللی یکی از پیشنهادات کلیدی این سند است.

دادگاه، از طریق نهادهای داوری رسیدگی شود. این امر به شفافیت، سرعت و کاهش فساد اداری کمک می‌کند.

ج) اشاره به داوری بین‌المللی و همگرایی با استانداردهای جهانی:

در برخی بخش‌های سیاست‌های کلی نظام حقوقی، استفاده از ظرفیت نهادهای داوری بین‌المللی و تطبیق نهادهای داوری داخلی با مقررات نهادهایی چون آنسیترال^۱ و ICC^۲ توصیه شده است. این مورد به‌ویژه در جهت تقویت جایگاه حقوقی ایران در صحنه تجارت بین‌الملل حائز اهمیت است.

تأثیر داوری در توسعه قضایی

منظور از توسعه قضایی، توسعه عدل و داد است و حرکت در این مسیر به معنای تحقق عدالت در جامعه است. از آنجا که دستگاه قضایی با مشکلاتی همچون تخصصی شدن دعاوی، حجم بالای پرونده‌ها، و نارسایی‌های زیرساختی مواجه است، این مشکلات می‌تواند منجر به رکود سیستم قضایی و موانعی برای تحقق عدالت و گسترش آن در جامعه شود (Emami, 2011). در چنین شرایطی، استفاده از نهادهای غیررسمی مانند داوری می‌تواند به عنوان راهکاری موثر برای گسترش و توسعه عدالت در نظر گرفته شود.

داوری در قوانین ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. در قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری، پیش‌بینی شده بود که طرفین می‌توانند به داوری رجوع کنند. با تأسیس سازمان جدید قضایی در سال ۱۳۰۶ شمسی، داوری رونق بیشتری یافت و حتی در برخی موارد، ارجاع به داوری به صورت اجباری درآمد. در سال ۱۳۰۷ نیز قانونی تصویب شد که به موجب آن، طرفین هر قراردادی می‌توانستند قبل از بروز اختلاف، در قرارداد خود، رجوع

ابزاری معرفی شده که می‌تواند رسیدگی سریع، کم‌هزینه، و تخصصی را جایگزین رویه‌های سنگین دادگاه‌ها کند.

ب) حمایت از داوری در مناسبات اقتصادی داخلی و خارجی: برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی نظام به لزوم تقویت سازوکارهای داوری به‌ویژه در حوزه بازرگانی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرده‌اند. این اسناد، داوری را ابزاری برای جلب اعتماد فعالان اقتصادی داخلی و خارجی به نظام حقوقی کشور می‌دانند.

پ) ترویج داوری در قوانین عادی و آموزش عمومی:

در قانون توسعه قضایی و برخی مواد از سند تحول قضایی، بر گنجاندن سازوکارهای داوری در قوانین موضوعه، از جمله آیین دادرسی مدنی و قانون تجارت، و همچنین آموزش و ترویج داوری در میان عموم مردم، حقوق‌دانان و فعالان اقتصادی تأکید شده است.

ت) لزوم ایجاد نهادهای داوری تخصصی و مستقل:

در سند تحول قضایی، یکی از محورهای مهم، استقلال و تخصصی‌سازی نهادهای داوری است. این سند خواستار ایجاد مراکز داوری مستقل با صلاحیت‌های تخصصی در حوزه‌هایی نظیر تجارت، نفت و گاز، کشاورزی، فناوری و... شده که بتوانند با استانداردهای بین‌المللی عمل کنند.

ث) استفاده از ظرفیت داوری در حل اختلافات اداری و دولتی:

در اسناد بالا دستی، به‌ویژه در برخی پیوست‌های برنامه ششم توسعه و مفاد سیاست‌های کلی قضایی، تأکید شده که دولت و دستگاه‌های اجرایی باید در قراردادهای خود از شرط داوری استفاده کنند تا اختلافات با پیمانکاران و سرمایه‌گذاران، به جای

۲- International Chamber of Commerce

۱- یونیسترال یا آنسیترال، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد است که با قطعنامه ۲۲۰۵ در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۶ تأسیس شده است.

۴ UNCITRAL

تجربه می‌کنند. این احساس عدالت، حتی از اجرای صرف آن نیز مهم‌تر است، زیرا موجب می‌شود مردم جامعه باور کنند که دستگاه قضائی و مسئولان آن عدالت را در کانون توجه قرار داده‌اند و آن را مراعات می‌کنند (Hajideh Abadi, 2006).

از این‌رو، توسعه داوری در ایران نه تنها به عنوان یک روش جایگزین برای حل و فصل اختلافات بلکه به عنوان یک ابزار برای تقویت نظام قضائی و کاهش فشار بر مراجع دادگستری اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از داوری در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در حوزه‌های تجاری و بین‌المللی، به دلیل مزایای متعددی که دارد، از جمله سرعت بیشتر، هزینه‌های کمتر و قابلیت حل اختلافات به‌صورت خصوصی، به یک روند معمول تبدیل شده است (Hensler, 2007).

در ایران نیز، در سال‌های اخیر، نهاد داوری با حمایت قانون‌گذاران و مقامات قضائی، به‌ویژه در زمینه داوری تجاری، در حال گسترش است. به عنوان مثال، قوانین و مقررات جدید در زمینه داوری تجاری بین‌المللی مانند قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۸۰، گام‌های موثری در جهت ارتقای جایگاه داوری در سیستم قضائی ایران برداشته‌اند (Sharifi, 2016).

از سوی دیگر، در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، داوری به عنوان یک ابزار کلیدی برای تسهیل روند قضائی و کاهش بار مراجع دادگستری در نظر گرفته می‌شود. در ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی، داوری به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جایگزین حل اختلافات شناخته می‌شود که به‌طور گسترده در حوزه‌های تجاری، خانوادگی و کیفری استفاده می‌شود (Beisner & et al., 2005).

نهاد داوری با فراهم کردن زمینه‌هایی نظیر امکان رسیدگی تخصصی به دعاوی، حفظ محرمانگی در اختلافات، و کاهش فشار بر دستگاه قضائی، نه تنها کارکردی فنی و ساختاری دارد، بلکه در

به داوری را جایگزین رجوع به محاکم قضائی کنند (Ghehrmani, 2008). این روند نشان‌دهنده اهمیت رو به رشد داوری در حل اختلافات است، به‌ویژه زمانی که دستگاه قضائی با حجم زیاد پرونده‌ها مواجه است (A. Rafiei, 2013). با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸، داوری در قالب داوری اختیاری در یک بخش مجزا قرار گرفت. اما پس از انقلاب اسلامی، رجوع به داوری و آرای داور به‌عنوان مخالف شرع شناخته شد و نهادهایی مانند شورای داوری و خانه انصاف تعطیل شدند. مسئولان آن زمان معتقد بودند که فقط مجتهد جامع الشرایط باید به حل و فصل امور قضائی بپردازد (M. T. Mousavi, 1991; S. M. Mousavi, 1991). این در حالی است که در فقه اسلامی، نهاد داوری معادل قاضی تحکیم است که شارع مقدس آن را پذیرفته است و در مطالب قبلی این موضوع بررسی شده است (Sadeghi, 2011). این عقب‌نشینی در بهره‌گیری از داوری، در حالی صورت گرفته که در بسیاری از کشورها، داده‌های تجربی از تأثیر مثبت داوری در کاهش بار محاکم و افزایش رضایت عمومی از روند دادرسی حکایت دارد. در ایران نیز لازم است با ارزیابی آثار واقعی داوری بر کاهش پرونده‌های دادگستری، از طریق تحلیل آماری و مطالعه مصادیق، زمینه بازتعریف جایگاه این نهاد در نظام حقوقی کشور فراهم گردد.

در حال حاضر، با افزایش روزافزون حجم پرونده‌ها در مراجع دادگستری و فشارهای وارد بر دستگاه قضائی، تمایل به استفاده از نهادهایی همچون داوری و میانجی‌گری می‌تواند به توسعه عدالت قضائی کمک کند (Jalali, 2017). توسعه قضائی به معنای گسترش عدالت است، و با توجه به مزایای داوری نسبت به سایر روش‌ها، نظیر رسیدگی سریع، کم‌هزینه بودن، و اختیار تعیین داور توسط اصحاب دعوا، زمانی که طرفین اختلاف به داوری رجوع می‌کنند و از این فرایند رضایت دارند، در واقع احساس عدالت را

در فرآیند توسعه قضایی ایفا کند. توسعه قضایی نه تنها به معنای رشد کمی در امکانات و ساختار دستگاه قضایی است، بلکه مفهومی کیفی دارد که هدف آن ارتقای دسترسی به عدالت، تسریع در حل اختلافات، کاهش هزینه‌ها و تقویت اعتماد عمومی به سازوکارهای حقوقی است. نهاد داوری، با اتکا به ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، تخصص‌محوری، هزینه پایین‌تر و جلب مشارکت طرفین در فرآیند دادرسی، می‌تواند مکملی توانمند برای نهاد قضایی رسمی باشد و بستر مناسبی برای تحقق عدالت مشارکتی فراهم آورد.

در عین حال، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، ظرفیت‌های قانونی داوری به‌طور کامل بالفعل نشده است. خلأهای فرهنگی، ساختاری و گفتمانی پیرامون داوری، مانعی جدی در مسیر بهره‌برداری از توانمندی‌های آن در تحقق توسعه قضایی است. اگرچه جایگاه حقوقی و ظرفیت‌های نهاد داوری در اسناد بالادستی قانونی پیش‌بینی شده، اما همچنان با چالش‌هایی مانند فقدان فرهنگ‌سازی، ضعف ساختارهای داوری تخصصی و نبود انسجام قانونی در بهره‌گیری نظام‌مند از آن مواجه‌ایم. برای گذار از وضعیت موجود به وضع مطلوب، لازم است داوری نه تنها به‌عنوان یک نهاد مکمل، بلکه به‌عنوان بخشی از راهبرد توسعه قضایی نگریسته شود؛ راهبردی که عدالت را نه فقط در سطح نهاد رسمی، بلکه در بطن جامعه و از مسیر نهادهای جایگزین نیز دنبال می‌کند.

در نهایت، به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های داوری، می‌توان اقدامات مشخصی را مدنظر قرار داد. از جمله، گسترش آموزش‌های تخصصی داوری در دانشگاه‌ها و نهادهای حقوقی، تعریف دقیق‌تر صلاحیت‌ها و شرایط داوران، و همچنین طراحی نهادهای نظارتی برای تضمین بی‌طرفی و کارآمدی آنان، گامی مهم در راستای اعتمادسازی و نهادینه‌سازی فرهنگ داوری خواهد بود.

تحقق اهداف کلان عدالت اجتماعی نیز مؤثر واقع می‌شود. بر اساس بند ۴ سیاست‌های کلی قضایی مصوب مقام معظم رهبری، استفاده از سازوکارهای جایگزین حل اختلاف از جمله داوری، به عنوان بخشی از راهبرد کلان نظام در زمینه توسعه عدالت مد نظر قرار گرفته است. همچنین در سند تحول قضایی قوه قضاییه بر «ساماندهی و حمایت از سازوکارهای داوری و میانجی‌گری برای کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری» تأکید شده است.

افزون بر این، برنامه ششم توسعه نیز در بندهایی از ماده ۱۱۳، ضمن اشاره به ضرورت کاهش اطاله دادرسی و ارتقاء بهره‌وری دستگاه قضایی، به توسعه نهادهای حل و فصل اختلافات غیردادگاهی اشاره دارد که می‌توان آن را مبنای قانونی تقویت داوری در ساختار قضایی تلقی کرد.

در نتیجه، تأسیس و گسترش نهاد داوری در ایران می‌تواند به کاهش حجم پرونده‌های قضائی، تسریع در حل اختلافات و افزایش رضایت عمومی از سیستم قضائی کمک کند. این امر در نهایت به توسعه قضائی و ارتقای سطح عدالت در جامعه منجر خواهد شد.

با وجود مزایای قابل توجه نهاد داوری، هنوز عوامل متعددی مانع از گسترش آن در جامعه ایران شده‌اند. از جمله این عوامل می‌توان به نبود آگاهی عمومی نسبت به مزایای داوری، بی‌اعتمادی به بی‌طرفی داوران، و نبود مکانیزم‌های نظارتی مؤثر بر عملکرد داوران اشاره کرد. همچنین، مقاومت سنتی برخی از نهادهای قضایی در برابر واگذاری صلاحیت‌ها به نهادهای غیردولتی، چالشی اساسی در مسیر توسعه داوری به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی نظری، تحولات تقنینی و نیز تحلیل ظرفیت‌های نهاد داوری در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که این نهاد، با وجود جایگاه سنتی و ریشه‌دار خود در فقه و حقوق، می‌تواند نقشی مؤثر

۳. تقویت برنامه‌های درسی دانشگاهی در زمینه روش‌های حل اختلاف جایگزین (ADR) به‌ویژه داوری، با رویکرد میان‌رشته‌ای؛
۴. ایجاد کلینیک‌های داوری دانشگاهی با همکاری نهادهای صنفی و قضایی به‌عنوان الگویی برای پیوند آموزش و عمل حقوقی.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The realization of justice, as a fundamental objective of any legal system, requires the optimization of dispute resolution mechanisms and a reduction in trial delays, which are critical indicators of judicial efficiency and development. Judicial development extends beyond the quantitative increase in courts and judges; it encompasses the qualitative improvement of justice in terms of accessibility, transparency, and efficiency. The institution of arbitration, with its deep roots in Iranian legal culture dating back to the pre-Islamic era, is a crucial component in this development. Arbitration, being a private, flexible, and cost-effective mechanism, offers significant advantages by accelerating proceedings, reducing costs, and alleviating the judiciary's workload (Bayat, 2020). Nonetheless, despite these considerable potentials, arbitration's role in Iran's judicial structure remains limited due to challenges such as inadequate cultural promotion, the absence of efficient national arbitration institutions, gaps in legal frameworks, and a lack of coherent macro-level policymaking (J. Aghaei et al., 2020). These obstacles have prevented arbitration from contributing effectively to the realization of justice. This

همچنین، بسط کاربرد داوری در حوزه‌هایی نظیر اختلافات خانوادگی، اداری و حتی برخی دعاوی سبک کیفری، می‌تواند نقشی اساسی در ارتقاء کیفیت عدالت و کاهش اطاله دادرسی ایفا کند.

پیشنهادهای

۱. ضرورت تولید ادبیات نظری بومی درباره نسبت میان داوری و توسعه قضایی از منظر فقهی، حقوق تطبیقی و سیاست‌گذاری قضایی؛

۲. توسعه مطالعات تجربی درباره اثرگذاری نهاد داوری بر کارآمدی نظام قضایی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند دعاوی تجاری، خانوادگی و اداری؛

article adopts an analytical-comparative approach, reviewing legal texts, current regulations, jurisprudential opinions, and upstream documents like judicial policies and development programs, to evaluate the role of arbitration in enhancing judicial development indicators. The systematic use of arbitration, supported by institutional and legislative reforms, could significantly improve access to justice, foster public trust, and enhance the judiciary's overall efficiency, positioning arbitration as an indispensable tool for modernizing Iran's judicial system (Y. Aghaei et al., 2020).

Arbitration as an institution has evolved significantly from its traditional informal origins into a formalized, recognized method of dispute resolution, particularly valued in commercial and international contexts (Behbahani, 2016). Historically, in Iran, arbitration represented a means of delegating a portion of judicial authority to non-governmental actors, aligning with broader political decentralization trends. The enactment of the 1909 Provisional Code of Civil Procedure marked a turning point in institutionalizing arbitration, predating even modern notions of civil society. However,

following the Islamic Revolution, traditional arbitration bodies like the “Councils of Arbitration” and “Houses of Equity” were dissolved, largely because the prevailing view demanded that only fully qualified jurists adjudicate disputes. Recent shifts in judicial policy, however, notably reflected in the Judicial Transformation Document (2020) and the Sixth Development Plan (2016), emphasize revitalizing alternative dispute resolution (ADR) mechanisms, including arbitration, as a strategic means to address judicial overload and promote public satisfaction with the legal system (Yari Nik & Shaban Nia Mansour, 2020). This context reveals the dual necessity of enhancing arbitration’s legal and institutional frameworks while simultaneously nurturing public awareness and acceptance of arbitration as a legitimate pathway to justice. Theoretical frameworks concerning arbitration reveal multiple perspectives regarding its legal nature. Four dominant theories can be discerned: the contractual theory, which views arbitration purely as a product of private agreement; the judicial theory, which frames arbitration as a quasi-judicial process requiring state endorsement; the mixed theory, which combines contractual autonomy with judicial oversight; and the autonomous theory, which treats arbitration as a *sui generis* institution (Fouchard et al., 1999; Rahnama, 2015). Each of these theories captures essential aspects of arbitration’s complex identity within modern legal systems. Furthermore, arbitration today manifests in various organizational forms, particularly voluntary and mandatory arbitration, and in structural types such as *ad hoc* and institutional arbitration (Khedri, 2014; A. Rafiei, 2013). Voluntary arbitration, based on parties’ consent, offers flexibility and promotes party autonomy, whereas mandatory arbitration, imposed by statute or judicial order, serves to relieve court

congestion. Institutional arbitration, conducted under the auspices of established arbitral centers like the ICC or Iran’s Chamber of Commerce Arbitration Center, provides standardized procedures and administrative support, enhancing procedural reliability. Each model plays a crucial role in diversifying dispute resolution options and promoting a more accessible, responsive judicial landscape (Nahvi & Asadinejad, 2016).

Judicial development is fundamentally intertwined with concepts of good governance and human rights. Defined not merely as quantitative expansion but as qualitative enhancement, judicial development encompasses increased public access to courts, expedited dispute resolution, improved judicial transparency, and expanded use of ADR mechanisms like arbitration (Amid, 1990; Validi, 2010). In Iran, judicial development has constitutional backing through Article 156, which mandates the judiciary to promote justice and protect public rights. Various strategic documents—the Judicial Transformation Document, the Sixth Development Plan, and general judicial policies—highlight arbitration’s role in achieving these objectives. These documents advocate the institutionalization of arbitration to decrease court case backlogs, facilitate economic and commercial dispute resolution, and improve the judiciary’s responsiveness (D. Sabouri Pour & A. Kebriti, 2017). Furthermore, these strategies emphasize the necessity of creating independent, specialized arbitration bodies, training professional arbitrators, and integrating arbitration clauses into governmental and commercial contracts to ensure swift and impartial dispute resolution. These steps are essential for embedding arbitration within the broader framework of judicial modernization.

The growing significance of arbitration is particularly evident in the global legal community, where it is recognized as a vital

component of judicial reform and access to justice initiatives. Data from numerous jurisdictions indicate that robust arbitration systems correlate with decreased court backlogs and heightened citizen satisfaction with legal processes (Emami, 2011). Iran's historical experience with arbitration, including legislative milestones from the early 20th century and the adoption of the 1997 Law on International Commercial Arbitration, reflects an enduring, albeit fluctuating, commitment to alternative dispute resolution (Ghehrmani, 2008; M. T. Mousavi, 1991). Empirical studies within Iran reveal that expanding arbitration usage can significantly reduce judicial caseloads, expedite dispute resolution timelines, and enhance perceptions of procedural fairness (Hajideh Abadi, 2006; Jalali, 2017). However, the full realization of arbitration's potential requires overcoming cultural inertia, institutional resistance, and regulatory ambiguities. Establishing robust oversight mechanisms to ensure arbitrator neutrality, expanding public education campaigns, and embedding arbitration into the judicial reform agenda are critical measures to maximize arbitration's impact on Iran's judicial development.

In conclusion, the development and systematic promotion of arbitration offer a pragmatic solution to many of the challenges facing Iran's judiciary today. By positioning arbitration not merely as an auxiliary mechanism but as an integral component of judicial modernization, Iran can significantly enhance access to justice, reduce litigation burdens, and foster greater public trust in the legal system. Comprehensive reforms are needed to update arbitration laws, standardize practices, and ensure the professionalization of arbitrators. Simultaneously, educational initiatives targeting legal professionals, businesses, and the general public are crucial to cultivate a culture that views arbitration as a credible and effective pathway to justice.

Through a concerted strategy that combines legal reform, institutional development, and cultural change, Iran can unlock the transformative potential of arbitration to advance judicial development and realize the broader goals of justice and good governance.

References

- Abdel-Ati, M. (2018). *The Legal System of Commercial Arbitration in Egyptian and Comparative Law*. Dar Al-Nahda Al-Arabiya.
- Abdel-Fattah, S. (2019). *Arbitration Systems in the Arab World: An Analysis of Regional Practices*. Dar Al-Shorouk for Publishing.
- Aghaei, J., Habibi Daragh, B., & Hasanzadeh, S. (2020). Comparative Study of Arbitration in Iran and Selected Countries. *Tehran University Law Review*, 17(2).
- Aghaei, Y., Habibi Daragh, B., & Hasanzadeh, H. (2020). Aspects of Formal Justice in Arbitration Proceedings in the Light of the Iranian Legal System. *Special Issue on Legal Innovation*(15).
- Al-Nadawi, M. H. (1983). *Arbitration in Private International Law*. University of Baghdad Publications.
- Amid, H. (1990). *Amid Dictionary*. Book-e Electronic.
- Bayat, M. (2020). *Expediency in Litigation and Fair Trial Principles*. Jangal.
- Behbahani, A. (2016). *The Evolution of Arbitration in Iranian and International Law*. Elm.
- Beisner, J. H., & et al. (2005). Class Action 'Cops': Public Servants or Private Entrepreneurs. *Harvard Journal of Law & Public Policy*, 28(1), 211-256.
- Darabi, I., & Rafiei Tabatabaei, S. H. (2019). Factors Affecting the Reduction of Prolonged Litigation and Judicial Development: A Case Study of Kermanshah Judiciary in 2017. 6th National Congress on Applied Research in Human Sciences and Islamic Studies.
- Dehkhoda, A. A. (1959). *Dehkhoda Dictionary*. Book-e Electronic.
- Emami, M. H. (2011). *The Institution of Arbitration in the Iranian Legal System*. Mizan.
- Fouchard, P., Gaillard, E., & Goldman, B. (1999). *International Commercial Arbitration*. Kluwer Law International.
- Ghehrmani, M. (2008). Historical Review of Arbitration in the Iranian Legal System. *Journal of Legal Studies*(2).
- Hajideh Abadi, A. (2006). Comparative Analysis of Arbitration in Iranian and French Law. *Journal of Legal Studies*(2).
- Hensler, D. R. (2007). Suppose it's Not True: Challenging Mediation Ideology. In A. Sarat (Ed.), (pp. 29-53). Emerald Group Publishing.

- Ilkhani Zadeh, M. (2007). *Legal Concepts of Arbitration in Iranian Law*. Mizan.
- Ismaili, M. (2019). *Foundations of International Commercial Arbitration*. Samt.
- Jafari Langaroudi, M. J. (1984). *Encyclopedia of Civil and Commercial Law*. Ganj-e Danesh.
- Jafari Langaroudi, M. J. (2008). *Legal Terminology*. Ganj-e Danesh.
- Jalali, M. (2017). *Dispute Resolution through Arbitration and Mediation*. Hoqouq-e Noein.
- Katouzian, N. (1994). *Civil Law: General Principles of Contracts*. Company of Publication.
- Kaufmann-Kohler, G. (2005). Globalization of Arbitral Procedure. *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 38, 1255-1274.
- Khedri, M. R. (2014). Comparative Study of Mandatory Arbitration in Iranian and French Law. *Journal of Private Law Research*, 2(6).
- Latif, K. (2011). *International Commercial Arbitration*. Al-Halabi Legal Publications.
- Liu, D. M. (2009). *Principles and Foundations of International Arbitration*. Mizan.
- Mafi, R., & Taghipour, F. (2017). Comparative Analysis of Arbitration Nature. *Journal of Legal Perspectives*(21).
- Mafi, S., & Taghipour, B. (2017). *Comparative Study of Arbitration in Iranian and Private International Law*. Jangal.
- Matin Dafari, N. (2002). *Arbitration Law: Theory and Practice*. Ganj-e Danesh.
- Moin, M. (1981). *Moin Dictionary*. Book-e Electronic.
- Mousavi, M. T. (1991). *Judicial Justice in the Islamic Republic of Iran*. Center for Islamic Research.
- Mousavi, S. M. (1991). *Jurisprudential Review of Arbitration in Iranian Law*. University of Imam Sadiq.
- Nahvi, M., & Asadinejad, B. (2016). Mandatory Arbitration in the Light of International Commercial Arbitration Rules. *Journal of Private Law Research*, 5(18).
- Nasiri, M. (2017). *Arbitration Law: Comparative Approaches*. Oxford University Press.
- Rafiei, A. (2013). Functions of Arbitration in Reducing Judicial Case Backlog. *Journal of Justice*(4).
- Rafiei, S. M. (2013). *Arbitration in Civil and Commercial Disputes*. Mizan.
- Rafiei Tabatabaei, S. H. (2020). Review of the Judiciary's Actions to Reform the Litigation Process and its Impact on Reducing Prolonged Litigation. *Journal of Economic Fiqh Studies*, 2(1).
- Rahnama, R. (2015). Critique and Analysis of the Contractual Nature of Arbitration in the Light of International Arbitration Developments. *International Arbitration Journal*, 4(2).
- Sabouri Pour, D., & Kebriti, A. (2017). Review of Judicial Development Policies in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Strategic Studies*, 2(6).
- Sabouri Pour, M., & Kebriti, K. (2017). The Role of Judicial Policy-Making and the Sixth Development Plan. *Journal of Strategic and Macro Policies*, 5(19).
- Sadeghi, M. (2011). Arbitration and Arbitrator in Iranian Law and Jurisprudence. *Journal of Fiqh and Islamic Law*, 3(9).
- Sami, M. (1992). *International Commercial Arbitration*. Al-Halabi Legal Publications.
- Shams, A., & Bathaei, M. (2015). *Arbitration Law: Nature and Effects*. Samt.
- Shariat Panahi, A. (1977). *Private and Commercial Arbitration Law*. University of National Iran.
- Sharifi, B. (2016). Comparative Study of Iranian International Commercial Arbitration Law and UNCITRAL Rules. *International Arbitration Journal*(9).
- Shiravi, A. H. (2012). *Arbitration Law: Domestic and International*. Samt.
- Tahawi, M. A. (2014). *International Commercial Arbitration*. Dar Al-Fikr Al-Jami'i.
- UNCITRAL. United Nations Commission on International Trade Law.
- Validi, M. J. (2010). *Evolution in the Iranian Judicial System*. Mizan.
- Yari Nik, A. A., & Shaban Nia Mansour, M. (2020). The Impact of Electronic Judicial Services on Reducing Prolonged Litigation: A Case Study in Tehran. *Journal of Excellence in Law*(8).